

حقوق بین الملل خصوصی

فصل اول

اطلاعات تاریخی

اگر بتاریخ وضعیتی که خارجیه ها در کشور های مختلفه قدیم داشته اند مراجعه شود معلوم خواهد شد که وضعیت آنان در بین ملت هائی که اساس تشکیلاتشان متکی به دین بود به مراتب سخت تر از وضعیتی بود که آنان در بین ملت هائی داشتند که اصول سیاست آنها مبتنی بر جهانگیری و تجارت بوده است . در هیستهای جامعه که صرفاً مطیع عقاید مذهبی بوده و عقاید مزبور در آن هیئت ها بنحو مطلق حکومت میکرد اصل کلی عبارت بود از اینکه خارجی موجودی است ناپاک و خارج از مذهب و بنا بر این محروم از حقوق بشریت .

چنانکه در هندوستان قانون «مانو» *Manu* بین برهمن و سوترا فرق کلی میگذاشت چه برهمن فاتح و صاحب اختیار بود در حالی که سوترا منلوب و اسیر و عبد . بسیار الاخری موجود ناپاک بود که نمیتوانست با طبقه برهمن رابطه خانوادگی و یا رابطه حقوقی پیدا کند و حتی طبقه دیگری وجود داشت پست تر از طبقه سوترا و آن عبارت بود از طبقه پاریا و افراد آن که حق نداشتند حتی بسمت غلامی نیز داخل طبقه برهمن گردند .

در مصر نیز مادام که قدرت سلطنتی در دست رؤسای مذهبی بود خارجیهها طرف بغض بوده و با آنها معامله سختی بعمل میامد چه مصریها خود را مأور بتسخیر دنیا دانسته و تصور میکردند که بایستی احکام غضب الهی را نسبت به خارجیهها یعنی نسبت بموجودات نجس و خارج از مذهب اجرا نمایند چنانکه در یکی از اهرام بزرگ مصر عبارت

ذیل مشاهده میشود : « در ساختمان این گنبد یکنفر هم از اهالی کشور شرکت نموده است یعنی تمام عملجات و زحمت کش های آن اجانب بوده اند » .

ملت یهود نیز که بر طبق اصول مذهبی خود قوم برگزیده خدا محسوب میشدند مجاز نبودند با اجانب مرارده نمایند قتل و عامی که یهودیها در فلسطین که قرن گذشته برای اجتناب از تماس با اجانب نموده اند مضبوط تواریخ است . اگر چه در قوانین موسوی احکام رأفت آمیز نسبت با اجانب موجود است چنانکه در مجازات بین یهودی و خارجی فرقی نبود و در ب معابد که محل تحصن مذهبی بود بروی اجانب بسته نمیشد ولی مع ذلك از نقطه نظر سیاسی تفوق بنی اسرائیل و پستی اجانب امری بود مسلم . وضعیت ناگوار اجانب که فوقاً مذکور شد ادامه زیاد پیدا ننمود و بزودی دو قوه بزرگ موجب آن شد که بین اقوام مختلفه تا حدی اصول تساوی برقرار گردانید و این دو قوه عبارت بود از جنک و تجارت . چه از یکطرف جنک های بین کشورهای مختلفه موجب این گردید که ملل مختلف عالم هم در میان جنک وهم در مواقع انقراض صلح بنحو تساوی روبرو گردند از طرف دیگر لزوم معاملات تجارته باعث آن شد که مرادات بین ملل زیاد گشته و از این زیادی مراد بهبودی کلی در حال اجانب حاصل گردد . چنانکه اگر بقوانین آتن یعنی بقوانین مرکز تجارت قدیم و بقوانین رم یعنی بقوانین یکی از بزرگترین ملل فاتح رجوع کنیم خواهیم دید که تجارت و جنک چه اثراتی در بهبودی وضعیت اجانب تولید نموده است .

در ایران قدیم این دو قوه توأمأ ایجاد اثر نموده بود زیرا که دولت ایران چه در زمان هخامنشی و چه در

زمان ساسانی دواتی بود که هم جهانگیری مینمود و هم تشویق تجارت میکرد چنانچه در آئین اردشیر بابکان که بمنزله قانون اساسی ایران ساسانی است مصرح بود که :
 «چون بیگانگان از ما همان اوازی به بینند و اعدالت یابند این نکوئی و دادگری بدیگر مردمان رسانند و جهانیان با خواسته و متاع خود رو بکشور ما نهند و کشور آبادان گردد»

بهبودی که در اثر تجارت و جهانگیری در بین ملل مختلفه برای وضعیت حال اجناب ایجاد شده بود بدو در اثر ظهور دین مسیح و سپس در نتیجه طلوع دین اسلام رو بزوال گذاشت چنانکه بعد از ظهور دین مسیح و در اثر تعلیم آن در روم اجناب عیسوی مذهب راطمه حیوانات سبع مینمودند و بمنظا هرین برسوم بیگانگان مجازات سخت می دادند .

تقریباً همین وضعیت بعد از طلوع اسلام نیز در کشور های مهم دنیا پیش آمد چنانکه در کشور های مسیحی مذهب مخصوصاً در اسپانی افراد مل مسلم دوچار شکنجه و موجب عذاب بوده و در کشور های اسلامی نیز افراد مل غیر مسلم تابع قوانین سخت تری بودند مثل آنکه :
 اخذ ربا از غیر مسلم حلال و از مسلم حرام بود و غیر مسلم بایستی برای استفاده از خدمات دولت مالیات مخصوصی بنام جزیه بدهد . وضعیت مزبور در ایران مسلمان نیز موجود بود و شاید همین نکته باعث گردید که بعد از استقرار اصول کاپیتولاسیون در کشور عثمانی اصول مزبور نیز در ایران نسبت باجناب برقرار گردد . در تمام مدتی که کاپیتولاسیون در ایران برقرار بود برای اجناب وضعیتی موجود بود به مراتب بهتر از وضعیت خود ایرانیان .
 خوشبختانه اصول مزبور از بین رفت و از تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ که برای ایران روز فیروزی محسوب میشود وضعیت اجناب در این کشور همان وضعیتی است که برای اتباع خارجه در بین ملل راقیه مقرر است . چون اتباع خارجه ممکن است اشخاص حقیقی باشند یا اشخاص حقوقی لذا وضعیت آنها باید جداگانه ذکر شود .

فصل دوم

وضعیت حقوقی اشخاص حقیقی که تبه خارجه هستند

مبحث اول

وضعیت حقوقی اشخاص حقیقی از نقطه نظر حقوق عمومی

بطوریکه در مقدمه این نکات مذکور شد حقوق سیاسی مخصوص اتباع داخله بوده و اتباع خارجه نمی توانند از حقوق مزبوره بهره مند گردانند بنا بر این يك نفر تبه خارجه نمیتواند در ایران در انتخاب اعضاء مقننه . مثلاً مداخله کرده انتخاب کننده یا منتخب واقع شود ولی در غیر این مورد از نقطه نظر حقوق عمومی وضعیت حقوقی اتباع خارجه در ایران چیز در موارد استثنائی تقریباً همان وضعیتی است که برای ایرانیان مقرر است . نظر به مراتب فوق اتباع خارجه میتوانند آزادانه ولی با رعایت نظامات مربوطه بخاک ایران وارد گشته و در آنجا اقامت نمایند یا در ایران از آزادیهای عمومی که از آن جمله آزادی مسکن و آزادی مذهب است بهره مند گردند و همچنین تبه خارجه میتوانند از حمایت قوانین ایران نسبت بجان و مال خود بهره مند گشته و باستثناء مشاغل دولتی و یا مشاغلی که بموجب نص صریح قانون از اشتغال بان محروم میباشد هر شغلی را بخواهند انتخاب کنند .
 تزییقاتی که نسبت بحقوق عمومی اتباع خارجه وارد میشود میتوان در تحت سه عنوان ذکر کرد :

اول - تزییقات راجع به آزادی ورود و اقامت اتباع

خارجه : در ایران و خروج از اینجا .

دوم - حق اخراج اتباع خارجه .

سوم - مشاغلی که اتباع خارجه از داشتن آن

محروم هستند .

قسمت الف : تزییقات راجع به آزادی ورود و

اقامت اتباع خارجه در ایران و خروج از آنجا .

ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران و عبور یا

خروج آنها در این کشور کاملاً آزاد نیست چه مطابق ماده اول قانون ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه هر يك از اتباع خارجه برای ورود و اقامت و خروج از ایران باید اجازه مأمورین مربوطه ایران را تحصیل نمایند. بموجب ماده ۲ قانون مزبور این اجازه برای ورود بایران و عبور از آنجا بتوسط مأمورین ایران در خارجه و بوسیله ویزای تذکره یا سایر اوراق صادره از ناحیه دولت متبوع تبعه خارجه که قائم مقام تذکره است داده میشود. و برای هر تبعه خارجه که بدون تذکره و یا با تذکره وارد خاک ایران گردد مجازاتی تعیین شده است.

ماده دوم قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه مأمورین ایران را مکلف نموده است که در موارد ذیل از دادن ویزا خودداری نمایند.

اول - در صورتیکه نسبت بصحت اسناد ارائه شده تردید داشته باشند.

دوم - هر گاه اشخاصی که مطابق قوانین ایران تبعه ایران محسوب میشوند بخواهند با اوراق تبعیت غیر ایرانی بایران مسافرت کنند.

سوم - اگر حضور خارجی در ایران بر ضد امنیت کشور یا نظم عمومی یا بجهت دیگری منافی بمصالح کشوری است.

چهارم - اگر خارجی در ایران سابقه محکومیت بجنحه مهم یا جنایت داشته و یا در کشور خارجه محکوم بجنحه یا جنایت شده باشد.

پنجم - اگر تبعه خارجه قبلاً از ایران خارج شده باشد.

ششم - اگر حضور خارجی در ایران بملاحظه بهداشتی عمومی یا تمایلات منافی عفت صلاح نباشد.

هفتم - اگر خارجی نتواند ثابت نماید که وسایل تحصیل معاش خود را در ایران بوسیله سرمایه یا مشاغل مفیده خود دارا میباشد.

اجازه اقامت اتباع خارجه در ایران و خروج آنها

بهبده مأمورین شهر بانی است و اتباع خارجه مکلف هستند در ظرف ۴۸ ساعت پس از ورود بمحل توقف خود شخصاً در شهر بانی محل حاضر شده و اسم خود را ثبت کنند و همچنین صاحبان منازل عمومی نیز مکلفند توقف هر تبعه خارجه را که پیش از ۴۸ ساعت در آن منازل توقف مینماید بشهر بانی اطلاع دهند. علاوه بر مراتب فوق هیئت وزراء میتواند برای حفظ امنیت ویا مصالح عمومی و یا بملاحظات بهداشتی تصمیمات ذیل که ورود و اقامت و خروج و عبور خارجیان را محدود یا مشروط مینماید اتخاذ کند:

اول - جلوگیری از کلیه یا قسمتی از مرادفات سرحدی.

دوم - منع توقف موقتی یا دائمی در بعضی از مناطق یا عبور از بعضی مناطق ایران.

سوم - اتخاذ وسایل مخصوص نظارت نسبت بخارجیان در موارد فوق العاده.

ب - اخراج اتباع خارجه

هر دولت باید حق داشته باشد تبعه خارجه را که اقامت او در داخله کشور غیر مطلوب میباشد اخراج نماید و فقط تجدیدی که از نقطه نظر حقوق بین المللی ممکن است باین حق وارد ساخت عبارت است از اینکه هیچ دولت نباید کلیه اتباع خارجه را که مقیم در خاک او میباشد دفناً اخراج کند. تقریباً در تمام کشور ها قانون محلی بدولت اجازه میدهد که هر وقت مایل باشد تبعه خارجه را که اقامت او در داخل کشور غیر مطلوب بنظر میرسد اخراج نماید و تنها مقامی که صلاحیت تشخیص لزوم یا عدم لزوم اخراج را دارد همان مأمورین صلاحیت دار دولت است. در ایران قانون ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ موارد اخراج را تا اندازه ای محدود نموده است چه بموجب مستفاد از قانون مزبور اتباع خارجه را فقط در موارد ذیل میتوان اخراج نمود.

اول - اگر صحت اسنادی که تبعه خارجه برای

که تاخیر در اجرای آن تصمیم منافی مصالح کشوری بوده باشد و در این صورت باید اخراج فوراً به وقوع اجرا گذارده شود. در غیر این صورت تبعة خارجه میتواند نسبت بتصمیم اخراج خود تقاضای تجدید نظر کند. این تقاضا اجرای تصمیم را جز در مورد مذکور فوق بعهده تأخیر میندازد لیکن ممکن است که تا تعیین نتیجه تجدید نظر اداره شهربانی شخص خارجی را در تحت مراقبت مخصوصه خود قرار دهد.

ج - مشاغل ۳۴ اتباع خارجه را تحصیل آن محروم هستند

اصولاً اتباع خارجه میتوانند در ایران هر شغلی را که مایل باشند اختیار کنند بعبارة الاخر اصل آزادی مشاغل ذر باره آنها تقریباً بنحو کامل اجرا میگردد و حتی میتوان گفت که این آزادی برای اتباع خارجه در ایران بیشتر از سایر کشورهاست. چه در اکثر کشورهای خارجه یکمده از مشاغل هست که فقط منحصر باتباع داخله بوده و خارجیها نمیتوانند بمشاغل مزبور مشغول شوند. در کشورهای خارجه که مشاغل منحصر به اتباع خارجی میشود مشاغلی است که برای اجرای آن سرمایه مادی زیادی لازم نیست و هر کس که بهلم حقوق آشنا بوده و این سرمایه علمی را داشته باشد میتواند بشغل وکالت در محاکم اشتغال داشته باشد بدون اینکه محتاج بهخرج سرمایه زیادی باشد و همچنین اشتغال بشغل طبابت محتاج بصرف سرمایه مالی زیاد نمیشد. بهمین جهت است که ملاحظه میشود که در اکثر از کشورها مشاغل مزبور و امثال آنها منحصر باتباع داخله شده است و حتی در ترکیه مثلاً دستفروشی و واکس زنی نیز منحصر باتباع داخله گردیده است. چه صاحبان این مشاغل میتوانند بانداك سرمایه مالی کسب مینمایند. در حال مشاغلی که در ایران اختیار آن برای اتباع خارجه ممنوع است عبارت است از وکالت رسمی در محاکم عدلیه و مدیریت روزنامه، بدیهی است که اتباع خارجه مشاغلی را نیز نمیتوانند دارا گردند که مربوط بحقوق سیاسی افراد کشور است از قبیل مشاغل دولتی. یا عضویت مجلس و غیره.

تحصیل ویزا ارائه نموده است مردد بوده و مع ذلك تحصیل ویزا نموده باشد

دوم - اگر حضور خارجی در ایران برضد امنیت کشور یا نظم عمومی یا بجهت دیگری منافی مصالح کشوری بوده و مع ذلك تحصیل ویزا کرده و بایران آمده باشد

سوم - اگر وجود تبعة خارجه در ایران بعد از ورود بایران مخالف امنیت کشور یا نظم عمومی یا بجهت دیگری منافی مصالح کشوری باشد

چهارم - اگر تبعة خارجه در ایران سابقه محکومیت به جنحه مهم یا جنایت داشته و در کشورهای خارجه محکوم بجنحه و جنایت بوده و مع ذلك تحصیل ویزا نموده باشد

پنجم - اگر تبعة خارجه در ایران محکوم بجنحه مهم یا جنایت گردد

ششم - اگر تبعة خارجه قبلاً از ایران اخراج شده و بعد بایران آمده باشد. بدیهی است در این صورت قبلاً بمجازاتی که بموجب ماده ۱۵ قانون مذکور فوق مقرر است محکوم شده و اخراج او فقط بعد از اجرای مجازات خواهد بود

هفتم - اگر خارجی در ایران بملاحظه بهداشتی عمومی یا عملیات منافی عفت وجودش صلاح نبوده و مع ذلك بایران آمده باشد

هشتم - اگر حضور خارجی در ایران بملاحظه بهداشتی عمومی یا عملیات منافی عفت صلاح نباشد
نهم - اگر اجازه عبور یا توقف خارجی مدنی گردد

دهم - اگر تبعة خارجه برخلاف قانون ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ رفتار کنند. در موارد اخیر ممکن است که تبعة خارجه اخراج نشود و فقط محل توقف او تعیین داده شود. در هر موردی که تصمیم اخراج تبعة خارجه از ایران اتخاذ گردید باید تصمیم مزبور و مهلتی که برای خروج از ایران معین میشود بشخص خارجی ابلاغ گردد مگر در صورتی